

بررسی تاثیر سبک تفکر معلمان در اثربخشی روش آموزشی در مدارس ابتدایی شهرستان دشتی

فاطمه ایمانی^۱

^۱ کارشناسی مهندسی فناوری اطلاعات و آموزگار پایه دوم دبستان شهید چمران

چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی تاثیر سبک تفکر معلمان در اثربخشی روش آموزشی در مدارس ابتدایی شهرستان دشتی انجام شد. روش تحقیق توصیفی-پیمایشی و براساس هدف، تحقیقی کاربردی است. جامعه در این پژوهش شامل کلیه معلمان ابتدایی شهرستان دشتی در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ می باشد که برابر با ۴۱۹ نفر بود. روش نمونه گیری در این پژوهش تصادفی ساده است. براساس فرمول کوکران و به روش نمونه گیری تصادفی ساده تعداد ۲۰۰ نفر انتخاب شدند. در پژوهش حاضر، بسته به اهداف و سؤالات پژوهش، از روش های مختلفی برای تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شد. به طور کلی در سطح آمار توصیفی از شاخص هایی همچون جداول توزیع فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد، و در سطح آمار استنباطی از آزمون همبستگی استفاده شد. نتایج نشان داد که سبک تفکر معلمان در اثربخشی روش آموزشی در مدارس مقطع ابتدایی شهرستان دشتی تاثیر معناداری دارد.

واژه های کلیدی: سبک تفکر، معلمان ابتدایی، اثربخشی، روش آموزشی، شهرستان دشتی

مقدمه و بیان مساله

امروزه رشد، پرورش و ارزشیابی تفکر یکی از کارکردهای اصلی تعلیم و تربیت است. در مطالعات تربیتی نیز بحث درباره تفکر و شیوه های ادراکی معلمان جایگاه خاصی دارد. انسانها در ابعاد مختلف، دارای تفاوت هایی هستند که در توانایی ها، استعداد و رغبت ها و سرانجام در سبک تفکر آنها نمود پیدا می کند. توجه به این تفاوت ها، باعث می شود که افراد در مسیر تحصیلی و شغلی مناسبی هدایت شوند. شاید مهمترین مساله ای که باید نسبت به آن آگاه و هوشیار بود، وجود سبک های تفکر افراد است (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۰).

استرنبرگ (۱۹۹۷) سبک تفکر را به عنوان طریقی که فرد می اندیشد، تعریف کرده است. او در این باره گفته است "سبک تفکر یک توانایی نیست، بلکه به چگونگی استفاده ما از توانایی هایمان اشاره می کند" افراد ممکن است عملا در توانایی ها مشابه هم، اما در سبک های تفکر، متفاوت باشند (سیف، ۱۳۸۳، نقل از کدیور و همکاران، ۱۳۸۸).

ژانگ و پاستیگلیون (۲۰۰۱) انواع سبک تفکر را به دو دسته کلی و ۹ زیرمجموعه تقسیم بندی نمودند. اولین نوع سبک های تفکر (از قبیل قانونی، قضایی، کل نگر، سلسله مراتبی و آزاداندیش) مولد خلاقیت هستند و به پردازش اطلاعات پیچیده نیاز دارند. افرادی که این سبک تفکر را به کار می گیرند، تمایل دارند هنجارها را به چالش طلبیده و پذیرای خطر هستند. دومین نوع سبک های تفکر (از قبیل اجرایی، جزئی، تک قطبی و محافظه کارانه) به پردازش اطلاعات ساده نیاز دارد. افرادی که این سبک تفکر را به کار می گیرند، مایل به حفظ هنجارها و اقتدار محور می باشند (صداقت و همکاران، ۱۳۹۳). استرنبرگ شیوه های متفاوت افراد برای پردازش اطلاعات را سبک تفکر تعریف نموده و معتقد است این سبک ها روش های ترجیحی افراد در بهره گیری از توانایی هایشان است و معادل با توانایی نمی باشد. توانایی، از عهده کاری بر آمدن، ولی سبک، ترجیح چگونه انجام دادن کار است. مفهوم سبک های تفکر، بیانگر آن است که همان گونه که راه های متفاوتی برای اداره یک جامعه وجود دارد، افراد نیز برای بهره گرفتن از توانایی های خود از شیوه های متفاوتی استفاده می کنند (بیرامی و طباطبایی، ۱۳۹۳). سبک تفکر افراد نه تنها بر چگونگی تفکر ایشان بلکه بر رفتار و عملکرد ایشان نیز اثرگذار است بنابر این به نظر می رسد سبک های تفکر قدرت پیش بینی عملکرد افراد و موفقیت و شایستگی ایشان را دارا باشد (صداقت و همکاران، ۱۳۹۳). با توجه به اینکه سبک های تفکر یا شیوه های ترجیحی فکر کردن در افراد متفاوت است، طبیعتا عملکردها و توانایی های هر فرد نیز با توجه به سبک های ترجیحی خود متفاوت خواهد بود. بنابراین شناختن مفهوم سبک های تفکر به افراد و درک ارتباط بین آن سبک ها با توانایی ها از اهمیتی ویژه برخوردار خواهد بود.

یکی دیگر از ابعاد مسئله این است که امروزه در دیدگاه های تعلیم و تربیت تفکر مورد توجه ویژه ای قرار گرفته است به گونه ای که امروزه رشد، پرورش و ارزشیابی تفکر یکی از کارکردهای اساسی تعلیم و تربیت است. شکست ها و موفقیت هایی که به توانایی ها نسبت داده شده، اغلب ناشی از سبک هاست. یک معلم باید بداند عملکرد ضعیف او همیشه به علت عدم توانایی نیست بلکه به خاطر عدم تناسب بین سبک های تفکر او و انتظاراتی است که از او دارند. در حقیقت یکی از مهمترین عواملی که از سبک های تفکر معلمان تاثیر می پذیرد، اثربخشی او در تدریس و آموزش است (اعتنادی و اهری، ۱۳۸۵).

شواهد علمی زیادی وجود دارد که ما را نسبت به چگونگی یادگیری دانشجویان و عوامل محیطی که یادگیری آنان را شکل می‌دهد حساس می‌کند، که این شواهد بر این نکته تأکید دارند که منشأ بسیاری از ضعف‌ها و مشکلات تحصیلی فراگیران نه در مسائل روانی و اجتماعی، بلکه در روش‌های مطالعه و یادگیری و ارائه‌ی مطالب از سوی معلمان است (کریمی، ۱۳۹۱). بر همین اساس در پژوهش حاضر نیز با توجه به اهمیتی که تفکر معلمان و سبک اندیشیدن آنها در اثربخشی آموزش دارد و میزان یادگیری و توانمندی دانش آموزان تاثیر قابل ملاحظه‌ای از آن می‌پذیرد، لذا سوال اصلی تحقیق حاضر این است که آیا سبک تفکر معلمان در اثربخشی روش آموزشی در مدارس ابتدایی شهرستان دشتی تاثیر معناداری دارد یا خیر؟

مبانی نظری

سبک تفکر روش بیان یا کاربرد یک یا چند توانایی است. توانایی، به خوبی از عهده برآمدن کاری اشاره دارد، در حالی که سبک تفکر، به این‌که فرد دوست دارد چگونه کار را انجام دهد، دلالت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۳).

اثربخشی آموزشی تعیین میزان تحقق اهداف آموزشی، تعیین نتایج قابل مشاهده از کارآموزان در اثر آموزشهای اجراشده، تعیین میزان انطباق رفتار کارآموزان با انتظارات نقش سازمانی، تعیین میزان درست انجام دادن کار که موردنظر آموزش بوده است، تعیین میزان تواناییهای ایجادشده در اثر آموزشها برای دستیابی به هدفها (کریمی، ۱۳۹۱).

تفکر فرآیندی است که از طریق آن یک بازنمایی ذهنی جدید به وسیله تبدیل اطلاعات و تعامل بین خصوصیات ذهنی، قضاوت، انتزاع، استدلال و حل مسئله ایجاد می‌گردد.

تفکر یعنی کیمیاگری فکر. چه بسیار از افکاری که به ذهن ما می‌رسد بی ارزش و بیهوده باشد اما تفکر می‌تواند همین افکار بیهوده را تبدیل به ایده‌های بسیار ارزشمند نماید.

تفکر سازمان دادن و تجدید سازمان در یادگیری گذشته جهت استفاده در موقعیت فعلی است.

تفکر فرآیندی رمزی و درونی می‌توان دانست که منجر به یک حوزه شناختی می‌گردد که نظام شناختی شخص متفکر را تغییر می‌دهد.

تفکر جستجو نمودن بصیرت است برای رسیدن به مقصود و نتیجه. در واقع تفکر، کنترل هدفمند فکر است. یعنی اینکه فکر ما در اختیار ما باشد و در راستای نیازها و اهدافی که ترسیم کرده ایم به پیش رود. همانند یک کشتی که به بندر مقصد حرکت می‌کند نه به هر جایی که باد آن را ببرد.

تفکر یعنی باغبانی و پرورش فکر. فکر اگر به حال خودش رها باشد و از القائات بیرونی از جمله افراد و رسانه‌ها و حوادث تاثیرات منفی بپذیرد به ثمرات و نتایج مفید نمی‌رسد. فکر همانند یک زمین است که اگر باغبانی داشته باشد می‌تواند درختان تنومند با محصولات فراوان داشته باشد و اگر به حال خودش رها شود علف‌های هرز و بوته‌های بی ثمر آن را پر خواهد کرد.

تفکر یعنی رام و اهلی کردن فکر. فکر ما خودسر است. یعنی از این شاخه به شاخه دیگر می‌پرد و نمی‌توان آن را روی یک موضوع ثابت نگه داشت و مسیری که به سمتش می‌رود قابل پیش بینی نیست. تفکر باعث می‌شود که عنان فکر در دست متفکر باشد.

دیویی (۱۹۳۳) تفکر را شامل مراحل می‌داند که دو مرحله ابتدایی و انتهایی و پنج مرحله میانی را در برمی‌گیرد. مرحله اول یا ابتدایی، مرحله شک و ابهام است و آن زمانی است که انسان با یک موقعیت پیچیده رو به رو شده و درصدد یافتن پاسخی برای مسئله و مشکل ایجاد شده است. مرحله انتهایی، زمانی است که فرد از شک و ابهام درآمده و به نتیجه و جواب دست یافته است.

سبکهای تفکر دارای انواع مختلفی است که به طور خلاصه در زیر آورده شده است:

تفکر مستقل یا مطلق: تفکری است فارغ و رها شده از ذهنیت گرایی، منابع تجربی، تجارب هیجانی، تفکر منطقی، دوگانگی و جدایی موضوع و ذهن.

تفکر انتزاعی: تفکری است که جزیی از موضوع را از دیگر اجزا تفکیک نموده و بدون توجه به اجزای دیگر، آن را مورد ملاحظه قرار می‌دهد.

تفکر تحلیلی: بر پایه جداسازی یک موضوع به عناصر و اجزای تشکیل دهنده آن. فرق آن با تفکر انتزاعی در توجه یکسان به همه اجزا است.

تفکر عقل سلیم: یک راه طبیعی و درونی تفکر است. این تفکر کاملاً با خردپذیری، وجدان، استانداردهای اخلاقی و هنجارهای اجتماعی مرتبط است.

تفکر مفهومی: این تفکر مبتنی بر فرآیند ادراکی مفهوم‌پردازی یا مفهوم آفرینی است و بر ویژگی‌های درونی ساختار ذهن و مرتبط است. به عبارت دیگر، زبان و فکر از طریق این تفکر با هم مرتبط هستند.

تفکر عینی: برخلاف تفکر انتزاعی با ذات ملموس دنیای واقعی سر و کار دارد و با مفاهیم و ایده‌های انتزاع شده از موجودات و پدیده‌های حقیقی رابطه‌ای ندارد.

تفکر کیهانی: تفکر کیهانی (جهان شمول) برخلاف تفکر خود محور، هنگام بررسی معانی حوادث گذشته و ترتیب حوادث آینده، به جهان و تمام عالم رجوع می‌کند.

تفکر انتقادی: تفکر انتقادی به معنی تفکر بی‌طرفانه است. تفکر انتقادی از جزم گرایی و شکاکیت اجتناب می‌کند و در تلاش برای پیدا کردن راه میانه‌ای است که از یک طرف فلسفه کل نگر در نظر گیرد و از طرف دیگر اصول را از منظری دیگر بازنگری کند و در این راه همانطور که از آخرین مفاهیم و پیشرفت های علوم استفاده می‌کند از پیشرفت‌های قبلی بشر نیز بهره‌مند شود.

تفکر خود محور: از آنجایی که انسانها به طور طبیعی خود محور هستند، برای تبدیل آن به یک تفکر برون‌گرا، کل نگر و فراگیر، احتیاج به تلاشی ارادی و آگاهانه داریم.

تفکر هیجانی: تفکر هیجانی (عاطفی) مبتنی بر پایه تجربیاتی چون احساسات، هیجانات، عواطف و ... می‌باشد. این تفکر کارکردی تنظیمی دارد؛ تفکر هیجانی نسبی است و با پیشداوری‌ها، هنجارهای اجتماعی، ارزشهای فرهنگی و ... تغییر می‌کنند.

تفکر تجربی: تفکر تجربی مبتنی بر تجربیاتی است که از طریق حواس پنجگانه به انسان منتقل می‌شود. درست برخلاف تفکر مستقل یا مطلق که خود را از تجارب فارغ می‌کند.

تفکر کارکردی: تفکری است که کارکردها و روابط سببی را در نظر می‌گیرد و زیر مجموعه‌ای از تفکر علمی است.

تفکر کل نگر: این تفکر تلاشی است برای غلبه بر محدودیت های طبیعی دانش ارجاعی ما و این تنها با گذشتن از مرزهای تعیین شده دانش ارجاعی و با استفاده از تفکر تغییرپذیر و آزادای گمانه زنی میسر است.

تفکر شهودی: تفکر شهودی در واقع برترین قابلیت نهفته ذهن است که فراسوی محدودیت های تفکر عقلایی یا منطقی است و به امکانات و قابلیت های ناشناخته و قدرت مغز ما منتهی می شود.

تفکر منطقی: به طور کلی تفکر منطقی یک نظر کاملاً عقلایی است که بر طبق قاعده های صحیح و منطقی پایه گذاری شده است.

تفکر جزء نگر: این سبک فکری در مقابل تفکر کل نگر است و سعی می کند مفاهیم و پدیده های پیچیده را با تحلیل اجزای سازنده آن بهتر درک کند و آنها را به جنبه های اساسی و مقدماتی تبدیل کند.

تفکر علمی: تفکر علمی تفکری است بر پایه روش های علمی و ایده ها و نظریات مبتنی بر علم. روش علمی است که از لحاظ عقلایی قابل پذیرش و معتبر است.

تفکر سیستمی: تفکر سیستمی براساس نظریه سیستم ها بنا شده است. تئوری سیستم ها از دید رابطه متقابل و وابستگی متقابل پدیده ها به جهان نگاه می کند.

تفکر کلامی: تفکری است متکی بر حافظه کلامی ذهن که موضوعات و پدیده ها را به کمک الفاظ و زبان، شناسایی، درک و توصیف می کند.

تفکر دیداری: تفکری است متکی بر حافظه دیداری یا بصری که موضوعات را به کمک تجسم تصاویر و اشکال آنها شناسایی، درک و توصیف می کند.

تفکر همگرا: تفکر همگرا تفکری است که در آن عقل دائم در تلاش است تا فرآیند تفکر خاتمه یابد و هدف غایی آن توقف فکر است.

تفکر واگرا: تفکر واگرا تفکری است در مقابل تفکر همگرا و دائم در تلاش است تا فرآیند تفکر، گسترده تر و بازتر گردد و هدف غایی آن رسیدن به موقعیت های تازه و جدید است.

تفکر منفی: تفکر منفی تفکری است که جنبه های مثبت موضوع را نادیده می گیرد و تمام توجه معطوف به جنبه های منفی می گردد.

تفکر عملی یا اجرایی: تفکر عملی یا اجرایی این تفکر در مقابل تفکر واکنشی یا تفکر انتقادی قرار دارد. تفکر واکنشی و انتقادی هنگامی بجریان می افتد که چیزی پیش رو باشد تا نسبت به آن واکنش یا انتقادی به عمل آید. در واقع اگر چیزی پیش روی نباشد تفکر فعال و جدی نیست.

تفکر خلاق یا جانبی: تفکر خلاق تفکری است مولد که تازگی و تفاوت را به ایستایی و یکنواختی ترجیح می دهد و تفکری است که در آن سیال بودن، انعطاف پذیری، بسط و ابتکار اصالت دارد. این سبک فکری در مقابل تفکر منطقی و عقلایی قرار دارد و به جای تصورات عقلی، بیشتر از تصورات خیالی و وهمی استفاده می کند.

پیشینه تحقیق

راشیدی و رخشانی مهر (۱۳۹۷) تحقیقی با عنوان بررسی رابطه سبک های تفکر معلم با عملکرد تحصیلی دانش آموزان به عنوان شاخص بهره وری کلاس درس، انجام دادند. جامعه عاری از دانش و فرهنگ ، چنان جسم بی روحی است که تار و پودش متلاشی می شود و طعمه بی هویتی و بحران هویت و هرج و مرج می گردد. تحکیم پایه های فضایل اخلاقی و تقویت شایستگی های اعتقادی و دینی، مدیریت هدمند و برنامه ریزی کارشناسانه می طلبد. لذا تبیین جایگاه تعلیم و تربیت رسمی در تولید سرمایه اجتماعی و نیروی کارآمد انسانی نقش مهمی در ارتقای سطح ادراک و فرهنگ نسل ها دارد و نقطه اتکای دولت و ملت در رشد و بهره وری جمعیت دانش آموزی ، وجود معلمان توانمند و تحول آفرین و کارآمدی است که سکان دار تحقیق و پژوهش باشند تا اهداف پر بار نظام را پوشش دهند تا خروجی این سازمان حساس ، تربیت انسان های مومن ، خداجو ، وطن دوست ، خودباور قانون مدار و آماده ورود به زندگی شایسته و با نشاط بر اساس معیارهای دین و فرهنگ و جامعه باشد که در چرخه آموزش ، آینده پژوهشی و پایش تحولات موثر بر تعلیم و تربیت رسمی کشور بهبود و تکامل یابد چرا که خصوصیات شناختی افراد در عملکرد آموزشی آنها دخالت مستقیم دارد. تا جایی که عملکرد دیگران را نیز تحت تاثیر قرار می دهد. بنابراین در حیطه آموزشی برای مشخص ساختن مناسب ترین روش های آموزش و تدریس ، باید به تواناییهای شناختی معلمان و دانش آموزان توجه شود.

آزادمنش و رشیدی (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه بین سبک تفکر مدیران با خودکارآمدی معلمان مدارس متوسطه شهرستان بم، به این نتیجه دست یافتند که بین سبک های تفکر قانون گذار، اجرایی و قضاوت گر در مدیران و خودکارآمدی دبیران، رابطه وجود دارد ($p < 0/05$) خودکارآمدی دبیرانی که دارای سنین مختلف بودند، با یکدیگر تفاوت معنادار داشت. با توجه به نتایج تحقیق می توان نتیجه گرفت که سبک های تفکر مدیران در بروز رفتارها و توانایی های معلمان اثر مستقیم دارد.

بستان پیرا (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه سبک های تفکر مدیران با رفتار شهروندی دبیران، به این نتیجه دست یافت که بین سبک های تفکر مدیران با رفتار شهروندی دبیران رابطه معنی داری وجود دارد. بین تفکر اجرایی و قضایم مدیران با رفتار شهروندی دبیران رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. بین تفکر قانون گذاری و رفتار شهروندی دبیران رابطه معنی داری بدست نیامد.

ایمر (۲۰۱۳) در پژوهشی تحت عنوان مساعدت سبک های تفکر معلمان به تفکر انتقادی دانش آموزان به این نتایج دست یافت، ارتباط معنی داری بین تمایلات تفکر انتقادی معلمان و سبک های تفکر آنها وجود دارد، همچنین نشان داده شد که تمایلات تفکر انتقادی توسط سبک های تفکر معلمان اندازه گیری می شود. این یافته ها و نتایج از نقطه نظر تدریس، یادگیری و ارزیابی مهم و قابل بررسی هستند.

فرضیه تحقیق

سبک تفکر معلمان در اثربخشی روش آموزشی در مدارس ابتدایی شهرستان دشتی موثر می باشد.

هدف تحقیق

بررسی تاثیر سبک تفکر معلمان در اثربخشی روش آموزشی در مدارس ابتدایی شهرستان دشتی

روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی- پیمایشی و براساس هدف، تحقیقی کاربردی است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه ی آماری پژوهش حاضر شامل کلیه ی معلمان ابتدایی شهرستان دشتی می باشد که بنابر آمار تعداد آنان برابر با ۴۱۹ نفر می باشد. نمونه مورد نظر با استفاده از جدول مورگان برابر با ۲۰۰ نفر می باشد که با توجه به تعداد جامعه آماری از نمونه گیری تصادفی استفاده گردیده است.

ابزارهای جمع آوری اطلاعات

در پژوهش حاضر، جهت گردآوری داده ها از پرسشنامه استفاده شد. ویژگی های این پرسشنامه ها در زیر گزارش شده است.

■ پرسشنامه سبک های تفکر

پرسشنامه سبک های تفکر استرنبرگ و واگنر فرم کوتاه (TSI) به وسیله استرنبرگ و واگنر در سال ۱۹۹۲ طراحی شده است. این پرسشنامه دارای ۶۵ سوال است که در طیف لیکرت از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم نمره گذاری می شود. هدف پرسشنامه بررسی سبک های تفکر مختلف شامل (سبک تفکر قانونگذار، سبک تفکر اجرائی، سبک تفکر قضائی، سبک تفکر کلی نگر، سبک تفکر جزئی نگر، سبک تفکر آزاد اندیش، سبک تفکر محافظه کار و سبک تفکر برون نگر) در معلمان می باشد.

■ اثربخشی آموزش

این پرسشنامه یک پرسشنامه محقق ساخته می باشد و به منظور بررسی اثربخشی روش آموزشی و در ۱۰ سوال طراحی می شود.

روشهای آماری تحلیل داده ها

در پژوهش حاضر، بسته به اهداف و سؤالات پژوهش، از روش های مختلفی برای تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شد. به طور کلی در سطح آمار توصیفی از شاخص هایی همچون جداول توزیع فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد، و در سطح آمار استنباطی از آزمون هایی همچون آزمون t تک نمونه ای، تحلیل واریانس یک راهه، آزمون همبستگی پیرسون و آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شد.

تحلیل فرضیه تحقیق

* سبک تفکر معلمان بر اثربخشی روش آموزشی در مدارس مقطع ابتدایی شهرستان دشتی موثر می باشد.

جهت بررسی این فرضیه پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. این آزمون به منظور بررسی ارتباط و تاثیر دو متغیر فاصله ایی و نسبی به کار می رود. ضریب آن بین +۱ تا -۱ متغیر است. که هر چه به سمت این دو متغیر متمایل شود. با این تفاوت که به سمت منفی نشان از برعکس بودن رابطه دارد، و به سمت مثبت نشان از همسو بودن رابطه دارد. لذا اگر رابطه

منفی باشد، با افزایش یک متغیر متغیر دیگر کاهش می یابد و با کاهش آن متغیر دیگر افزایش می یابد. اما اگر مثبت باشد با افزایش و کاهش یک متغیر، متغیر دیگر نیز افزایش و کاهش می یابد. نتایج به دست آمده برای این فرضیه پژوهش بر اساس آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که سبک تفکر معلمان بر اثربخشی روش آموزشی تاثیر مثبت و معنی داری دارد ($R=0/512$)، بدین صورت که با افزایش میزان بهبود سبک تفکر معلمان، اثربخشی روش آموزشی نیز افزایش می یابد و بر عکس با کاهش سبک تفکر معلمان، اثربخشی روش آموزشی نیز کاهش می یابد ($P\leq 0/05$).

جدول ۱: ضریب همبستگی سبک تفکر معلمان و اثربخشی روش آموزشی

متغیر	اثربخشی روش آموزشی		ضریب تبیین
سبک تفکر معلمان	ضریب همبستگی	۰/۵۱۲	۰/۲۶۰
	سطح معنی داری	۰/۰۰۰	
	تعداد	۲۰۰	

نتیجه گیری

در میان مجموعه فعالیت هایی که برای تعلیم و تربیت دانش آموزان انجام می شود، بیشترین سهم به تدریس مدرس در کلاس درس اختصاص می یابد. تدریس یک فعالیت است اما نه هر نوع فعالیتی، بلکه فعالیتی که آگاهانه و بر اساس هدف خاصی انجام می گیرد و موجب تغییر فراگیران می شود. تدریس امر ساده ای نیست. مدرس در تدریس با متغیرهای متفاوتی سروکار دارد که سعی می کند با دستکاری و کنترل متغیرهای مختلف، وضعیتی به وجود آورد که یادگیری حاصل شود. در مجموع سبک های یادگیری به شیوه هایی اطلاق می شود که بر اساس آن معلم به رشد تفکر دانش آموز کمک می کند. آموزش با رویکرد معلم محوری، در حال گذر به رویکرد دانش آموز محوری است که در آن تمام یا بخشی از مسئولیت یادگیری به عهده خود دانش آموز است و معلم بیشتر نقش سازمان دهنده، راهنما و مدیر یادگیری را ایفا می کند. در این رویکرد، دانش آموز دیگر مطالب درسی را حفظ نمی کند. او فردی فعال است که در همه فعالیت های درسی و کلاسی شرکت می کند، وظایف و مسئولیت های یادگیری خود را به خوبی می داند و آن ها را تا جایی که می تواند انجام می دهد و در صورت لزوم از معلم یاری می خواهد. نتیجه اینکه دو رویکرد آموزشی معلم محور و دانش آموز محور، به سبب تفاوت های اساسی در مبانی نظری، شیوه های دسترسی به اهداف آموزشی، نوع فعالیت های آموزشی معلم و دانش آموز، هر کدام متناسب با رویکرد آموزشی خود، لزوماً از روش های تدریس خاصی بهره می گیرند. در واقع، روش تدریس نشان دهنده رویکرد آموزشی معلم است. به کلامی دیگر، انتخاب روش تدریس، حاکی از میزان ارائه اختیار به دانش آموز در یادگیری است. نتایج این پژوهش نشان داد که سبک تفکر معلمان در اثربخشی روش آموزشی وی تاثیر معناداری دارد.

پیشنهادهای

- پیشنهاد می شود، با توجه به رابطه بین سبک های تفکر معلمان و اثربخشی روش آموزشی، سبک های تفکر معلمان متناسب با زمینه تحصیلی آنها، تقویت و آگاهی لازم به آنها داده شود.

- پیشنهاد می شود در پژوهشی مستقل انواع سبک های تفکر معلمان به تفکیک پایه و دروس تدریس آنها مورد تحقیق قرار گیرد و با مقایسه سبک تفکر آنها پیشنهادات کاربردی مناسب داده شود.
- پیشنهاد می شود، نتایج این پژوهش در مراکز دیگر و حتی در شهرهای دیگر نیز مورد بازآزمایی قرار گیرد.
- پیشنهاد می شود در پژوهش های دیگر در این زمینه از مدیران و مسئولان مراکز آموزش و پرورش نیز نظر سنجی به عمل آمده و از آنها در مورد سبک های تفکر غالب معلمان و میزان تاثیرات آن بر دانش آموزان به روش گردند تئوری تحقیقی به عمل آید.

منابع

- آزادمنش، علی و ناهید رشیدی دهنه (۱۳۹۵) بررسی رابطه بین سبک تفکر مدیران با خودکارآمدی معلمان مدارس متوسطه شهرستان بم سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳، دومین همایش بین المللی مدیریت و فرهنگ توسعه، تهران، اعتمادی اهری ، علاالدین و خسروی ،علی اکبر (۱۳۸۵) سبکهای تفکر، نویسنده استرنبرگ، چاپ دوم .تهران :نشر و پژوهش دادار.
- بستان پیرا، مریم، (۱۳۹۵) ، بررسی رابطه سبک های تفکر مدیران با رفتار شهروندی دبیران، دومین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران، قم
- بیرامی،منصور؛ طباطبایی، محمد(۱۳۹۳) پیش بینی سبک های تفکر بر اساس مولفه های فرا شناخت، مجله روانشناسی، سال نوزدهم، شماره ۱
- راشدی، شبنم و رخشانی مهر، مصطفی،(۱۳۹۷)،بررسی رابطه سبک های تفکر معلم با عملکرد تحصیلی دانش آموزان به عنوان شاخص بهره وری کلاس درس، پنجمین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، قزوین
- زندى، مژگان؛ کبری محسنی؛ زینب جعفریان و نسرين اوضاعی(۱۳۹۵) بررسی رابطه بین سبک های تفکر با هوش هیجانی و تعهد سازمانی در مدیران مدارس شهر تهران، اولین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران، قم
- سروقد سیروس ، رضایی آذرمیدخت و معصومی فائزه (۱۳۸۹) رابطه بین سبکهای تفکر با خودکارآمدی جوانان دختر و پسر پیش دانشگاهی شیراز، فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه، سال اول، شماره چهارم، ۱۳۳-۱۵۴
- صداقت مریم؛ پورکریمی جواد؛ محمدی راحله(۱۳۹۳) رابطه شایستگی و سبک های تفکر مدیران مطالعه موردی جهاد دانشگاهی، دوره ۴، شماره ۲، ۲۸۱-۲۹۶
- فاضلی نیکو ، راحله (۱۳۹۲) پیش بینی رابطه بین ابعاد اصلی سبک تفکر با خلاقیت در بین معلمان ورزش استان کردستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کردستان
- کدیور، پروین؛ جعفر جوادی، محمد؛ ساجدیان، فاطمه(۱۳۸۸) رابطه سبک تفکر و خود تنظیمی با انگیزش پیشرفت، پژوهش در کلاس، دوره ۴، شماره ۵،
- کریمی، فاطمه(۱۳۹۱) بررسی عوامل اثربخشی تدریس مشارکتی، علوم اجتماعی، شماره ۵۵
- کشتکاران، علی ، شهناز کفاشی، جمیل صادقی فر(۱۳۹۲) بررسی بررسی رابطه ی سبک های تفکر و شیوه های یادگیری دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز، توسعه آموزش در علوم پزشکی، دوره ۶، شماره ۱۰

محمد، امین؛ پورقاز، عبدالوهاب (۱۳۹۲) رابطه سبک های تفکر با منابع قدرت مدیران مدارس، رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، دوره ۴، شماره ۳، ۱۱۷-۱۳۸

هاشمی سیداحمد؛ صادقی فرد احمد؛ همتی ابوذر (۱۳۹۰) بررسی ارتباط بین انواع سبک تفکر با خلاقیت و نوآوری مدیران مدارس شهرستان لامرد، پژوهش در برنامه ریزی درسی (دانش و پژوهش در علوم تربیتی-برنامه ریزی درسی، دوره ۸ ، شماره ۳۰، ۷۲-۶۳

Emir .S(2013) Contributions of Teachers' Thinking Styles to Critical Thinking Dispositions (Istanbul-Fatih Sample), Educational Sciences: Theory & Practice - 13(1) • Winter • 337-347

The effect of teachers' thinking style on the effectiveness of educational methods in Dashti primary schools

Fatemeh Imani

Abstract

The present research was conducted with the aim of investigating the effect of teachers' thinking style on the effectiveness of the educational method in Dashti primary schools. The research method is descriptive-survey and based on the objective, it is an applied research. The society in this research includes all primary teachers of Dashti city in the academic year **2020-2021, which was equal to 419 people. The sampling method in this research is random. 200 people were selected based on Cochran's formula and simple random sampling method.** In the current research, depending on the goals and research questions, different methods were used for data analysis. In general, at the level of descriptive statistics, indicators such as frequency distribution tables, mean and standard deviation were used, and at the level of inferential statistics, correlation test was used. The results showed that the thinking style of teachers has a significant effect on the effectiveness of the educational method in elementary schools of Dashti city.

Key words: thinking style, elementary teachers, effectiveness, educational method, Dashti city